

وطن
استاد (صبح)

وطن

زتوبا خط جانم می نگارم
میان دفتر دل می گذارم
وطن با نم چشم نوشتم
به شوق نام تواشکی ببارم.

باتور (دوستم)؛ در مسیر سیاست



صحبت و حرف و حدیثهای فراوانی که با الحاج باتور (دوستم) رهبر جوان؛ پرتلاش صمیمی؛ خوش برخورد و هدفمند (ج م ا) داشتم و در جریان صحبت و تبادل سخن ویرا جوان بی نهایت هدفمند؛ وطن پرست؛ مردم دوست و شجاع وزیرک یافتم. از کلامش اعتماد به نفس و عملگرایی می جوشید و در هر حرفش پیوسته از مردم ستم دیده میهن و از وطن رنج کشیده سخن می گفت و تلاش داشت تا مسیرهای را جستجو نماید که بتواند سریعتر و موثرتر درد و طننداران و غم هم میهنانش را مدوا نماید.

باتور جوان؛ از آرزومندی هایش برای آرامی وطن و خوشبختی مردم سخن می می گفت:
« آرزوی دارم و وطنم را سرسبز و مردم را خوشبخت ببینم و تلاش داریم تا با همزمان؛ همفکران؛ اندیشمندان و همدلان جنبش را بسوی همدلی و همیاری و همنشینی رهنمون شویم و با همکارانم در شورای مرکزی (ج م ا) به خانه خانه هموطنانم برویم و درد و رنج بی شماری آنها را فریاد بزنیم و با غم و اندوه شان شریک و با خوشبختی و سعادت شان بخندیم و پایکوبی کنیم.»

باتور (دوستم) در مورد توطئه ها در جنبش میگوید:

« دیگر زمان توطئه چینی ها؛ دسیسه گری ها؛ من مگویی ها و پنج چارکی ها در حزب ما به پایان رسیده است و همه چون تن واحد منسجم و همنظر به پیش می رویم. خدا را شکر گزارم جوانانی شجاع و هم حزبی های رادشورای مرکزی داریم که همه فکرهاش شان به رهبر و موسس جنبش؛ به حزب میلیونی جنبش؛ به ترکتباران غیور؛ به هموطنان آزاده وطن و به روشنفکران و دانشمندان است و درین راستا آماده خدمتگزاری اند.»

باتور (دوستم) نویسنده گان و نشریه های بیرون مرزی و جامعه مدنی



در دیداری که با الحاج باتور (دوستم) رئیس شورای مرکزی حزب جنبش ملی اسلامی افغانستان داشتم؛ هر بار سخن را رابه غربت رفتگان هموطنش در کانادا و آمریکا می کشاند و از همدلی و همیاری و طنندارانش در خارج از کشوری پرسید.

با توجوه قرار گذاشت که به موقع مساعد با روشنفکران و هم اندیشان مسافرش دیداری داشته باشد. رهبروموسس جنبش و معاون اول ریاست جمهوری و دوستم جوان ریس حزب جنبش - از فعالیتهای روشنگری، فرهنگی؛ هنری و مدنی هموطنانش پیوسته می پرسید و سلام های فروانی به جامعه مدنی، مسولین رسانه ها و نویسندگان تقدیم نمودند.

و آنان شخصاً از فعالیتهای اکتیف نشریه های :

کابل پریس؛ حقیقت؛ اندیشه نو؛ آریایی؛ میهن؛ اصالت؛ وطندار؛ همایون... باقدراتانی یادآوری نمود و از من خواهش نمود که سلام و احترام فراوان معاون نخست ریاست جمهوری و رهبروموسس (ج م ا) و شورای مرکزی جنبش و شخص خودش را به (عمر فیض) مدیرمسول نشریه حقیقت؛ (کامران میرهزار) مدیرکابل پریس؛ (ثنا متین نیکی) مدیر و صاحب امتیاز اندیشه نو؛ (فضلی) مسول نشریه اصالت؛ (انجنیر نورضیا فرین) مدیر نشریه میهن؛ (عزیز جرنط) مسول نشریه آریایی؛ (انجنیر عمر محسن زاده) و انجنیر هما یوسفی صاحب امتیاز و مدیر نشریه وطندار؛ به مسولین نشریه همایون (نوری) و همایون عزیز تقدیم نمایم و آرزو داریم تک تک شانرا از نزدیک ببینیم.

معاون اول ریاست جمهوری و باتور (دوستم) ریس شورای مرکزی جنبش سلام و احترامات خاص و فراوان خود را به اعضای جامعه مدنی و روشنفکران مقیم کانادا و آمریکا رسانده و برای شان صحت و سعادت آرزو نمودند.

باتور (دوستم) و ترکیه



اگر شاه امان الله خان غازی در حدود یک قرن قبل سنگ محکم دوستی افغانستان و ترکیه را با مصطفی کمال اتاتورک (پدرترکها) گذاشت و الجاج باتور (دوستم) سنگ بنایی دوستی افغانستان و ترکیه را مستحکم؛ دایمی و رنگین نمود. قصه ازدواج باتور (دوستم) در کنار دوستی خلقهای دو کشور؛ نه مصلحتی و نه هم از روی سیاست، بلکه انتخاب دو جوانی بود که در جریان تحصیل در دانشگاه غازی در ترکیه رقم خورده است.

باتور (دوستم) فرزند ارشد رهبروموسس (ج م ا) در دانشگاه غازی در شهر انقره، پایتخت ترکیه، حقوق خوانده و «بانو بلیس»، دختر جنرال مصطفی لیوانت چولاک، در این دانشگاه با او همصنفی بوده است. آشنایی و دوستی این زوج جوان نیز از همین جا شروع می شود. آنان تصمیم می گیرند تا با هم ازدواج کنند و سپس خانواده های هر دو به این وصلت موافقت می کنند. سرانجام جشن نامزدی آن ها اول ماه جولای 2018 در انقره با حضور سترجنرال عبدالرشید (دوستم) معاون نخست ریاست جمهوری و رهبروموسس ج م ا - برگزار شد.

این مراسم خودمانی و متفاوت برگزار شده است.

جنرال مصطفی لیوانت چولاک یکی از جنرالان مقدر و ارشد ترکیه است که در افغانستان نیز ماموریت انجام داده است. در اکتوبر 2009 او فرماندهی زون مرکزی نیروهای بین المللی حافظ صلح یا آیساف را بر عهده گرفت. او متولد 1961 می باشد و تحصیلات عالی خود را دانشگاه نظامی ترکیه به پایان رسانده است.

جشن نامزادی (باتور و بلیس) چگونه برگزار شد؟؟؟



حدود یک سال قبل جشن نامزدی باتور جوان و بانو بلیس در انقره در فضای متفاوت برگزار شد. حدود 250 نفر از دوستان و نزدیکان معاون اول ریاست جمهوری افغانستان و جنرال چولاک در این مراسم دعوت شده بودند. جنرال دوستم در این مراسم پیوند باتور و بلیس را تبریک گفت و تاکید کرد که - می توانستم هزاران نفر با ساز و سرود و پای کوبی دعوت کنیم اما نخواستیم بسیار با کش و فکش این مراسم را تجلیل کنیم.

این رویدادی پای شمار زیاد از چهره های سیاسی کشور را به ترکیه کشاند. نامزدی این دو جوان از دو کشور امر تازه ای نیست اما آنچه این پیوند را برجسته می سازد، جایگاه عروس و داماد در دوستی مستحکم مردمان دو کشور است.

فرزندان بسیاری از سیاستمداران در افغانستان و کشورهای دیگر در ادامه زندگی، همسرانی از طیف خودشان برگزیده اند. این انتخاب گاهی بر اساس خواست دو شخص نبوده بل که بر اساس مصلحت های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی انجام شده است. در گذشته شاهان افغانستان نیز برای خود و فرزندان شان، برای گرفتن عروس دست به انتخاب سیاسی زده اند. بر ایند چنین وصلت و ازدواج ها، حمایت های سیاسی و اقتصادی از خانواده یا شخص داماد، شهزاده و شاه بوده است.

در جشن نامزدی باتور و بلیس شماری از مقامات ارشد افغانستان و ترکیه نیز شرکت کرده بودند. محمد محقق، معاون دوم ریاست اجرایی، صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجه و عطا محمد نور والی ولایت بلخ از افغانستان و چندین مقام حکومت و وزارت خارجه ترکیه و دیگر دوستان شخصی جنرال دوستم در این مراسم دعوت شده بودند.

عملکرد باتور « دوستم »



باتور (دوستم) جوان و نیرومند و آماده خدمت صادقانه و طندوستانه مانند پدرش سترجنرال جنرال عبدالرشید «دوستم» معاون اول ریاست و رهبر محبوب و دوست داشتنی جنبش؛ بیشترین اوقات خود را صرف کارسازماتی؛ هدفمندانه؛ جوان گرایی و ملاقات با هیت رهبری جنبش و مردم و وطنش میکند.

زحمت کشان؛ روشنفکران و جوانان جوقة - جوقة به دیدارش می یابند. با تور دوستم هم باحوصله مندی به سخنان ایشان گوش فرا میداد و بعداً به ارانه جوابات میپردازد و مشکلات مردمش را رفع می کند. باتور جوان ریس بنیاد (دوستم) است و کمکهای بنیاد (دوستم) را به ستمدیده گان و محرومین می رساند و ازین خدمتگذاری لذت می برد.

باتور جوان نسبت تراکم کاردریک شبانه روز پنج ساعت هم خواب نمی کند. وی تا ساعاتی چهاروپنج صبح به امورات رسیده گی می کند و صبح نیز از همه کرده بیشتر از خواب بلند می شود و مصروف کارروزانه می شود.

من چند باری که ساعاتی چهاروپنج صبح به وی زنگ زده ام و با اولین زنگ به تلفونم جواب داده است. از وی پرسیده ام: مگر نخواهید آید؟

بدون معطلی گفته است: می خواهم کارهارا سر و سامان بدهم و به امورات حزبی و اجتماعی رسیده گی نمایم. واقعاً اداره کردن حزب میلیونی (ج م ا) کار ساده و آسانی نیست.

باتور (دوستم) و حزب جنبش



الحاج باتور (دوستم) با جوانان همفکرش و همیاران هم نظرش شب و روز تلاش دارند تا بسوی جوانگرایی؛ همدلی؛ همفکری و هم اندیشی در حزب جنبش به پیش بروند، باتور جوان با یاران صدیقش باشیوه های جدید و صداقتمندانانه کارمنسجمی را در جنبش آغاز کرده اند و با آمدن رهبر جوان (باتور دوستم) کار جدی و نوگرایی در جنبش آغاز گردیده است و این یاران همدل تلاش دارند تا حزب جنبش را به نهاد فراگیر؛ سراسری و ملی مبدل نمایند و به اندیشه و اهداف رهبر بزرگوار جنبش (جنرال دوستم) معاون اول ریاست جمهوری سرعت بدهند تا حزب جنبش را دریچه ی به سوی روشنایی و همگرایی هدایت کنند.

فهم ، برده باري وجوان بودن وحوصله مندي (دوستم) جوان بسیاری ها را به گمانه‌زنی در باره افزایش قدرت و صعود وي به پله‌های بالای رهبری در جامعه واداشته است . باورها بر این است که باتوردوستم جوان دست و آستین را بر زده تا وارد کارزار سیاست کلان ملی شود و بتواند درحضور پدر، همچنان حرف جدی در معادلات سیاسی کشور داشته باشند. موفقیت و بهروزي باتورجوان حتمي به نظرمي رسد.